

رضی الله عنه " نامه شماره روز ششم پیاپی دریافت دوازدهم  
 اینکه در نامه اخیر نوشته : " مندم از من رنجیده ام که نامه نوشته ام یا ما را از اموش شکرده ای " .  
 باید گویم نه این هه آن ، نه رنجیده و نه فراموش کرده ام و نه اعدت نوشتن نامه این بود من  
 در انتظار نامه شما بودم و اینکه بهر آنجا می رسیدی از روی فرستش من بروشتم و یک برگه نوشتن تاریخ  
 سپردم .  
 نامه از آن مضمون ترصیف ساعتی ریاضی برابر تو جیه کم کاری طبع و تعطیل وقت شکرگویی  
 بود ؟ " لبست در این دو آهنگ " ؛ ولی دعوه دارم که " در پاره زور " احسانت  
 و از روی خود را شکل قطعات ادبی بفرستد . " این است که با نامه بعدی من  
 از این قطعات را اگر گویا تاکنون آمار شده باشد برام ارسال دارید ، البته همیشه بی  
 مشورت و مخطوط خواهم شد .  
 با این نامه کونج باب حکایت ، بعدی است میخواستم بشناسم چنانچه بحث های  
 پر بلما تک خودمان در باب و طایفه شرفنازی در دوران کنونی اوامه است . تلا ایاجه  
 و بعد از این سنده شروع کنیم که آیا نوادگان جوان شعر و ایران ( از قبیل  
 کولی ، آرزو ، سایه و غیره ) که نامشان در مطبوعات درگذشتند  
 مستندی خود بر طبق حقیقت ؟ کرم ، معزین ، زبان ، کبیر لیون و زود آنها  
 بر بنیاد درستی ؟ یا نه ؟ من دانم در لیبی آینه هفتگی و مجد کبوتر طبع  
 و در مطبوعات ترجمه آثاری از آنها خوانده ام ؟ اگر خوانده ام ، نام مختصات  
 می یافتید ؟ می خواندید . تا آنکه که خوانده و در پاره نامه یا نه بحث را در مضمون می کنم  
 به جهت در شرفنازی نظرات صبری صوری شود . تاثیر بنیاد برکت لطیفی یا به  
 ولی با ترکیب و مضامین بهر از بنیا . هجری شکل نورش صبری است و خواندن  
 سنده که رشد شرفنازی طبع ساخته منی قرله می اهدیت ، هوس آنرا و کاسینجی  
 ملحق شود . این بحث بر اثر شاره ای چون شما و کسی چون من که شاعر - مصور و کاتب ( مطلع )  
 آذربایجانی ( noor - azarbaijani ) هستم سوزنده است .  
 انکس ایاز . بخاتم نامه را این جا فاخته دهم  
 برضی بر بع سلام می گویم .  
 با احترام  
 پرویز  
 ۷ سپتامبر ۱۹۵۲